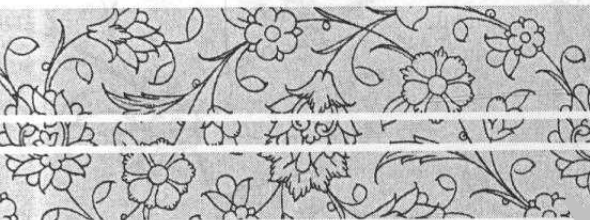




گل‌واژه‌های حسینی

سکینه احمدوند

احمدوند، سکینه، ۱۳۶۵- گل‌واژه‌های حسینی / سکینه احمدوند. تهران: زرنوشت، ۱۳۹۸. ص. ۱۳۸ ۹۷۸-۶۲۲-۷۱۰۳-۸۴-۷ فیضای مختصر فهرست‌نویسی کامل این اثر در وبگاه http://opac.nlai.ir موجود است. ۵۹۵۶۰۳۰	سرشناسه عنوان و نام پدیدآور مشخصات نشر مشخصات ظاهری شابک وضعیت فهرست‌نویسی یادداشت شماره کتابشناسی ملی
---	---



گل‌واژه‌های حسینی

سکینه احمدوند

ناشر: زرنوشت

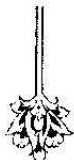
طراحی جلد و صفحه‌آرایی:
استودیو طراحی آقای نقطه

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۷۱۰۳-۸۴-۷

چاپ اول: ۱۳۹۸، ۱۰۰۰ نسخه

تهران، میدان انقلاب
خیابان کارگر جنوبی
کوچه مهدی‌زاده
شماره ۲۷، واحد ۱۹
۰۲۱ - ۶۶۴۳۵۶۳۷
zarnevesht.com

- ۱۱..... تا ابد طوق اسیری ات خوشا بر گردم
- ۱۳..... به آستان تو شاها گدای گوشه نشینم
- ۱۵..... چشم امید جهان منتظر باران است
- ۱۷..... ای عالم و آدم به تو لب تشنه چو آب
- ۱۹..... یوسف زهرا دوایی برغم پنهان عشق
- ۲۰..... نام زهرا می درخشد بر خط دیوان عشق
- ۲۱..... یا علی بغضی گران در سینه پنهان داشتی
- ۲۵..... شب بود و ماه بیقرار و چشم دنیا
- ۲۷..... این جمعه گذشت از گل زهرا خبری نیست
- ۲۹..... روز عاشورا شد و ای کاش باران می گرفت
- ۳۱..... بردن نام شما مست و خرابم می کند
- ۳۳..... کربلا آقا میا در سینه ها مرداب بود



- ۳۵..... بار عصیانم سبب شد در بلا افتاده‌ام
- ۳۷..... خوب دانم دیدن صحنه مقدر می‌شود
- ۳۹..... گریه کن دنیا فدای چشم گریان شما
- ۴۱..... تماشا دارد آقا جان شبی در صحن بارانی
- ۴۳..... جز حریم امن او را قلب من باور نداشت
- ۴۵..... عطریاس فاطمی در کویتان پیچیده است
- ۴۷..... من و یک لحظه ی زیبا کنار صحن رویایی
- ۴۹..... مـم شود زواری ای شاه خراسان... آخرش
- ۵۱..... دلم در پنج صحنه کربلایی ست
- ۵۳..... در میان شد خون مهمان نوازی باب نیست
- ۵۵..... ای کاش که خانه ره یاران تو باشم
- ۵۷..... نگاهم تا به ننگ حالی وبی آب می افتد
- ۵۹..... میرسد ماه محرم به عالم غم
- ۶۱..... در میان دشت خون سیل خروشان دیده است
- ۶۳..... جان عالم هرنفس آقا به قران شما
- ۶۵..... شبی دیدم که افکندم به دریای بلا خود را
- ۶۷..... تواز نسل حسینی و حسن فرزند زهرایی
- ۶۹..... آمد از بالا ندا حیدر وصی مصطفاست
- ۷۱..... تاجی از نام علی بر سر در دنیا زنید
- ۷۳..... شیر مردان نبرد و جان جانان حیدر است
- ۷۵..... همنشین احمد و هم قبیله و محراب او
- ۷۷..... در دل از نام نکوی تو نشان خواهد بود
- ۷۹..... نام نیکویت اگر جوهر به خود کارم نبود
- ۸۱..... من به دنبال توای شاه نجف حیرانم
- ۸۳..... من به درگاه شما جسمی علیل آورده ام



- ۸۵..... روی دستان پدرش ماهه هم سیراب شد
- ۸۷..... حسین گفتا که ای نوردو چشم من علی اکبر
- ۸۹..... برروی نی قرآن بخوان آه.. ای برادر
- ۹۱..... علقمه تشنه ی لبهای توشد
- ۹۳..... دل شب بود و مناجات و دعا
- ۹۵..... نامت حسین و شاه سر جدایی
- ۹۷..... در میان معرکه آن کس که شمشیری نداشت
- ۹۹..... گفت ای بنده بگر از که چنین دلگیری؟؟
- ۱۰۱..... نام تو صاحب الزهرا ای همان مرا پر نور کرد
- ۱۰۳..... آسمان هم سربا خاک پای تو خم میکند
- ۱۰۵..... دختری باغم نشست
- ۱۰۹..... آقا سفر راهم برای من مهیا کن
- ۱۱۱..... می شود باز به آن صحن مطهر برسم
- ۱۱۳..... جز رسیدن به حرم نیست مرا کار دیگر
- ۱۱۵..... بر کویر تنم ای کاش که باران برسد
- ۱۱۷..... نام حیدر میدرخشد در صف محشر چو او
- ۱۱۹..... تا کی مرا در کنج خانه زار می خواهی
- ۱۲۱..... من کنیز خانه زاد دختر پیغمبرم
- ۱۲۱..... یا حسین آن روز هفتاد و دو یاور داشتی
- ۱۲۵..... اسم تو را حک کرده حق، بردفتر جان ها
- ۱۲۷..... یاد صحن و نم باران ز دل و جان نرود
- ۱۲۹..... نشسته ام در خانه و اما دلم پیش شماست
- ۱۳۱..... حتم دانم بردلم مهری زمولا خورده بود
- ۱۳۳..... علی جان ای پناه درمندان
- ۱۳۷..... ای حسن ای معنی جود و سخای کردگار